

فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی در چرخه تکراری و ۲۰ ساله مذاکره با توتال، سی‌ان‌پی‌سی و پتروپارس معطل ماند

عسلویه گرفتار بوروکراسی

مهدی افشارنیک: فاز ۱۱ پارس جنوبی سال‌هاست محل تنازع سیاسی در نفت است. دولتی‌ها اصلاح‌طلبان را متهم به تعلل ۲۰ساله در این قرارداد می‌کنند. با اینکه بخشی از نقدشان درست است؛ اما مرور تاریخچه تعلل ۲۰ساله و بررسی عمیق تر، مسئله‌ای جالب و تأسف‌بار را روشن می‌کند. فاز ۱۱ مزرعه کشت هر دو ایده بزرگ در کشور است. همکاری با شرکت‌های خارجی و ادغام در نظم نوین جهانی و ایده خودکفایی و توسعه صرفا به توانمندی‌های داخلی. هر دو این ایده‌ها کم‌وبیش با محدودیت‌های خودشان در فاز ۱۱ فرصت اجرا داشتند؛ اما به جایی نرسیدند و این فاز پارس جنوبی هنوز گازی برای کشور تولید نکرده است. فاز ۱۱ آینه تمام‌نمای توسعه ایرانی است.

۴ فاز برای صادرات گاز

در سال ۱۳۷۹، علاوه بر پنج پروژه توسعه متعارف در پارس جنوبی که در حال اجرا بود، فازهای ۱۲/۱۱ و ۱۴/۱۳ در قالب دو پروژه گاز مایع طبیعی (LNG) طراحی و جانمایی شدند. این خبری مهم بود برای رقبای ایران به ویژه روسیه و قطر. ایران قصد کرده بود وارد بازار جهانی صادرات گاز شود. پیرو این طراحی، شورای اقتصاد در آخرین روز کاری اسفند سال ۷۹ با سرمایه‌گذاری یک میلیاردی ۲۰۰ میلیون دلاری با روش پای‌بک در فاز ۱۲/۱۱ موافقت کرد. با همین چند خط خبر قاعدتا رقبای ایران در بازار گاز حساس شدند.

مناقصه‌ای که شورون آمریکایی هم آمد

مناقصه فاز ۱۱ و ۱۲ قبلا برگزار شده بود و بزرگان نفتی دنیا در آن آمده بودند. ۲۴ شرکت آمده بودند. از جمله: استات اویل، توتال، سومیتومو، شورون، بی‌پی، تکنیپ.
بله شورون آمریکا هم آمده بود. نکته عجیب و جالب، با وجود تحریم‌های آن زمان، آمریکا یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی آمریکا در مناقصه گازی ایران شرکت کرده بود. با اینکه شروع اجرا سال ۸۰ تعیین شده بود. از اسفند ۷۹ تا اسفند ۸۱ برگزاری مناقصه و خواندن پاکت‌ها و مذاکرات طول کشید. سؤال این است چرا؟ عجیب بود. آیا رقبا فقط می‌کردند؟

براساس نتیجه مناقصه و بازگشایی پاکت‌های پیشنهادهای مالی در تاریخ ۲۶ اسفند ۸۱ شرکت توتال فرانسه و پترناس مالزی با مبلغ دومیلیارد و ۵۶۰ میلیون دلار برنده مالی شدند. قبلا این دو شرکت پیشنهاد داده بودند که توسعه طرح فاز ۱۱ به همراه طرح Pars LNG در پایین‌دست آن، به صورت یکپارچه صورت گیرد. مسئله جدی بود. ایران برای ورود به بازار گاز خیز برداشته بود. هم‌زمان فاز ۱۳/۱۳ هم پیش می‌رفت. شرکت‌های شل انگلیس و ریپسول اسپانیا تحت عنوان (Persian LNG) برنده شده و قرار شد کار را پیش ببرند. بعدها در سال ۱۳۸۴ قرارداد طرح فاز ۱۲ نیز (پی‌آزآنکه از فاز ۱۱ جدا و مستقل شد)، مقرر شد با شرکت پتروپارس منعقد شود تا خوراک طرح NIOC LNG یا همان IRAN LNG در پایین‌دست آن (با فرض همکاری شرکای خارجی) را تأمین کند.

امضا با توتال چران قدر تعلل؟

از اسفند ۸۱ تا مهر ۸۲ تنظیم پیش‌نویس قرارداد با توتال طول کشید. مهر ۱۳۸۲ توتال ضمن ارائه پیش‌نویس، شروع مطالعات طراحی پایه پیشرفته (FEED) را توصیه کرد. از نظر توتال اتخاذ تصمیم نهایی سرمایه‌گذاری (FID) منوط به تکمیل مطالعات طراحی پایه پیشرفته و برآورد دقیق از شرایط فنی و قیمت دقیق اجرای کار بود. توتال برنده مالی و فنی پروژه بود؛ اما مشخص نیست چرا این‌قدر روند بوروکراتیک و مذاکرات طول کشید. هر مرحله این پروژه با زمان‌های طولانی سپری می‌شد. رقبا ی‌کار بودند؟ روس‌ها؟ قطری‌ها؟

Letter of Agreement پیشبنهادی می‌ش شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های توتال و پترناس در آذرماه ۱۳۸۳ (تا اینجا‌ی ۲۱ ماه) امضا شد. این یک چارچوب بود برای چگونه سرمایه‌گذاری‌کردن که به منظور تعیین چارچوب سرمایه‌گذاری در توسعه بخش Pars LNG و فاز ۱۱ امضا شد.

دو ماه بعد در بهمن ۸۳ شرکت توتال توصیه واگذاری قرارداد مطالعات طراحی پایه را به یک شرکت ایرانی و تکنیپ فرانسه مطرح کرد. در مدت یک‌سال‌و نیم بعد تا سال ۱۳۸۵ و به میوازات ادامه مذاکرات قرارداد و مالی با شرکت ملی نفت ایران، روند تکمیل مطالعات طراحی FEED را به انجام رسانیده و مناقصات لازم برای انتخاب پیمانکاران فرعی فاز ۱۱ را هم برگزار و آخرین پاکت‌های مالی در بهمن‌ماه ۸۵ بازگشایی شد (۲۷ ماه پس از برنده‌شدن در مناقصه).

خداحافظی اول توتال با فاز ۱۱

در این چهار سال درواقع قیمت نفت از بازه ۲۰دلاری به بازه صد دلار نزدیک شده بود و در حال اوج‌گیری بیشتر بود. با توجه به شرایط بازار و نتایج طراحی پایه، توتال خواهان افزایش قیمت پیشنهادی‌اش بود. معتقد بود قرارداد با ۲۰۵ میلیارد دلار سابق که چهار سال قبل پیشنهاد داده بود، انجام‌شدنی نیست.

اصولگرایان با شعار «ما می‌توانیم» پشت میز مذاکره آمده بودند و حاضر به پذیرش ادعاهای توتال نبودند. از سویی هم مذاکرات به دلیل شرایط مسئله هسته‌ای تحت فشار آمریکا و غربی‌ها قرار گرفته بود. پروژه در خطر جدی قرار گرفته بود و کسی فکر آن نبود که راهی برای نجات پیدا کند. شرکت نفت معتقد بود تعدیل قرارداد به نفع توتال ممکن نیست. خیلی هم بدش نمی‌آمد توتال برود.

شاید هم این خواست از سوی یکی از رقبای ایران القا شده بود. در نهایت تحولات

به سمتی رفت که تیرماه ۸۶ توتال اعلام می‌کند که: «توتال نمی‌تواند نسبت به مشکلات بین‌المللی موجود و حادث‌شده در روابط فرانسه (غرب) و ایران بی‌اعتنا باشد و همچنین بحث افزایش هزینه‌ها نسبت به برآوردهای اولیه وجود دارد که نهایی نشده است.» (در آن مقطع زمانی مباحث و چالش‌های هسته‌ای شدت گرفته و قطع‌نامه‌ها و اعمال تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران آغاز شده بود). و نهایت اینکه به‌عنوان جمع‌بندی، توتال در جلسه‌ای با سفیر ایران اظهار کرد که در چنان شرایطی امکان عقد و پیشبرد قرارداد را ندارد و در ادامه در سال ۲۰۰۷ قرارداد طرح فاز ۱۱ خارج شد.

بازنگر همیشه دوم فاز ۱۱، CNPC چین

از اینجا به بعد در نقشه‌های میدان فاز ۱۱ تغییراتی اعمال شد و در سال ۱۳۸۶ بخش مرزی بلوک فاز ۱۱ به طرح فاز ۱۲ که از سوی پتروپارس در حال توسعه بود، سپرده شد. توتال رفته بود، رقبای بزرگ ایران حق نداشتند اینجا یک نفس راحت بکشند؟ یکی از مهم‌ترین شرکت‌های نفتی از ایران رفت و پروژه صادرات گاز ایران معطل مانده بود. اگرچه یک بلوک از ۱۱ به پتروپارس داده شده بود؛ اما هم‌زمان مذاکرات با چین‌ها (شرکت CNPC که قبلا هم ابراز تمایل کرده بود) برای توسعه فاز ۱۱ شروع شد. دو سال بعد در خرداد ۸۸ قرارداد فاز ۱۱ با ترک تشریفات مناقصه با این شرکت چینی امضا شد.

سال‌شماری کنیم؟

از مصوبه شورای اقتصاد در سال ۷۹ درخصوص این پروژه تا خرداد ۸۸ یعنی ۹ سال. ۹ سال روند اداری و مذاکره طول کشید که دو سال اول آن تشریفات مناقصه و واگذاری بود. پنج سال آن، از اواخر ۸۱ و از زمان برنده‌شدن در مناقصه تا اواخر ۸۶ و زمان خروج از قرارداد، مشغول توتال بود و دو سال آخر هم مشغول مذاکره و عقد قرارداد با چین‌ها، یک دولت رفت و دولتی دیگر آمد. بوروکراسی ایران کاری به دولت‌ها ندارد، شلخته و لخت و بی‌توجه به مناسبات سیاسی، لاک‌پشتی کار خود را می‌کند؛ اما آیا رقبا در این ۹ سال و این‌همه معطلی بی‌کار بودند؟

با انعقاد قرارداد فاز ۱۱ با چین‌ها در سال ۸۸، به پتروپارس دیکته شد که آن بلوکی را که دو سال قبل از فاز ۱۱ تحویل گرفت‌ی، به چین‌ها پس بده. پس اصولگرایان هم پتروپارس را در مقابل شرکت خارجی تحقیر کرده‌اند. پتروپارس اعتراض کرد. مدیرعامل آن به مدیرعامل کارفرما در شرکت نفت و گاز پارس نامه اعتراض تند و صریحی نوشت. نامه سیزدهم آبان ۸۸ چند خط مهم و تاریخی دارد. منوچهری به وکلی می‌نویسد که «استدعا دارد دستور فرمایید با تجدیدنظر در تصمیم اخیر جابه‌جایی مجدد موقعیت سکو‌ها و خروج پتروپارس از بلوک فاز ۱۱. این شرکت بتواند با نصب سکوی SPD1TB در محل فاز ۱۱ جدید، پروژه را پیش برده و ضمن اجتناب از تبعات منفی تصمیم اخیر و پیشگیری از تلاطم در پروژه‌های که در حال اجراست، احیانا گرفتار بازی‌های مستمر شرکت‌های خارجی که چندین سال است در راستای منافع کشور همسایه، مانع توسعه این بلوک مرزی و عدم بهره‌برداری از آن نشده‌اند، نشویم. البته به این اعتراض موجه که بعدها درستی آن معلوم شد، وقتی نهاده نشد و پتروپارس مجبور به ترک بلوک فاز ۱۱ و واگذاری آن به چین‌ها و بکشتی به همان موقعیت‌های کم‌بازده فاز ۱۲ شد.

چینی‌ها هم کار نمی‌کردند

تقاضای پتروپارس رد شد و این شرکت مجبور شد بلوک را به چین‌ها تحویل دهد؛ اما چین‌ها کار نمی‌کردند. در اسفند ۸۹ به چین‌ها اخطار ۹۰ روزه فسخ به دلیل عدم پیشرفت داده شد. ۹۰ روز گذشت و چند ماه بعد در آبان سال ۹۰، شرکت چینی در نامه‌ای اعلام کرد که «با توجه به شرایط بین‌المللی انجام کار طبق مفاد قرارداد غیرقابل انجام است. کشمکش شروع شده بود؛ اما شرکت نفت با وجود اخطار ۹۰ روزه با چین‌ها از در مباحثات درآمد و شرکت چینی درخواست‌هایی برای ادامه کار مطرح کرده بود که با مفاد قرارداد جور نبود. از جمله افزایش اختیارات خود، امکان افزایش مجدد سقف هزینه‌های سرمایه‌ای، افزایش مدت قرارداد، کاهش اختیارات کمیته مشترک مدیریت طرح و… را از کارفرما طلب می‌کرد.

بی‌توجهی چین‌ها به توسعه میدان فاز ۱۱ در نهایت منجر به این شد که در مرداد سال ۹۱ قرارداد فی‌مابین از طریق یک تفاهم‌نامه لغو شود. در واقع اخطار سه‌ماهه شرکت نفت ۱۷ ماه طول کشید. نکته جالب‌تر اینکه، چند سال بعد همین شرکت توسط زنگنه از آزادگان جنوبی هم کنار گذاشته شد. اصولگرایان بسیار جنجال کردند

اما هیچ در خاطرشان نبود یا نخواستند بماند که خودشان هم در مرداد ۹۱ با این شرکت چینی تفاهم‌نامه جدایی امضا کرده بودند. پس این نتیجه‌گیری که بالا و پایین شدن روابط ایران و چین به به خرج آنها از آزادگان جنوبی برمی‌گردد استدلال درستی نیست. قبلا نیز چنین شده بود.

شریک همیشه سوم، پتروپارس

بعد از رفتن توتال، در مدت سه‌ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱، توسعه بلوک فاز ۱۱ متوقف و راکد شده و نهایتا در سال ۱۳۹۱، شرکت چینی نیز با توجیه شرایط تحریم، از توسعه فاز ۱۱ خارج و این طرح دچار تلاطم و نوسان مجدد شد. همچنین آن‌سوتر، فاز ۱۳ در نوار مرزی مجاور فاز ۱۱ که قرار بود توسط شرکت‌های شل انگلیس و ریپسول اسپانیا در پیکر PERSIAN LNG توسعه یابد، با خروج شرکت‌های خارجی، سرنوشتی مشابه بلوک فاز ۱۱ یافت و در سال ۱۳۸۶ به قرارداد خاتم‌الانبیا به‌عنوان بلوک مخزنی فازهای ۱۵ و ۱۶ که توسط همین قرارداد توسعه بود واگذار شد. این یعنی اینکه طرح‌های صادراتی گاز کشور یک‌به‌یک کنسل شد. رقبا بی‌تأثیر بودند؟ باورش سخت است. ایران طرح‌های صادراتی‌اش را کنسل کرد و توسعه فاز‌هایش قرار شد فقط برای مصرف داخل باشد. صنایع و خانگی، در اواخر دولت احمدی‌نژاد و پس از خروج طرف چینی، مجددا بحث واگذاری بلوک فاز ۱۱ به شرکت پتروپارس مطرح شد که نهایتا در چهاردهم مرداد سال ۹۲، بعد از تنفیذ دولت جدید و در دوره انتقالی معرفی و استقرار کابینه جدید، قرارداد فاز ۱۱ در قالب بیع متقابل با شرکت پتروپارس امضا شد. (از ۷۹ تا ۹۲ چندین شرکت آمدند و امضا کردند اما یک قدم در توسعه این میدان برداشته نشد) تا اینجا یک پنج سال تعلل از دولت اصلاحات بود

و هشت سال تعلل از دولت اصولگرایان.

پتروپارس باید منابع مالی می آورد

وضع بازار نفت و قیمت‌ها جطور بود؟ در آن مقطع، قیمت جهانی نفت رو به کاهش بود و صادرات نفت کشور هم به دلیل تشدید تحریم‌ها دچار محدودیت شدید شده و به کمتر از یک میلیون بشکه در روز رسیده بود و عواید همان صادرات محدود و سهم وزارت نفت نیز بلوکه‌شده و غیرقابل‌استفاده بود. همچنین علاوه بر ده‌ها طرح دیگر وزارت نفت در کشور، تنها در میدان پارس جنوبی هشت طرح نیمه‌کاره شامل فازهای ۱۲ تا ۲۴ با پیشرفت‌های متفاوت (از ۵۰ تا ۹۰ درصد) بر زمین مانده بود که نیازمند تأمین مالی حدود ۱۵ میلیارد دلار بود.

در شرایط نیاز کشور به تأمین گاز و سوخت زمستانی، وزارت نفت و تیم تازه، پروژه‌های جاری و دارای پیشرفت را در اولویت قرار دادند. اینها همگی طرح‌هایی بود که در سال‌های ۸۴ تا ۸۶ امضا شده‌اند (۱۲-۱۳ و۱۶/۱۷ و۱۸) یا در زمان مبارکظمی منعقد شدند و قرار بود ۳۵ماهه به توسعه برسند که در ماه سی‌هشتم با پیشرفت‌های مختلف تحویل دولت بعدی شدند. البته تأمین مالی مناسب از طریق بانک مرکزی در دولت دوم احمدی‌نژاد و تلاش‌ها و بیکبری‌های فراوان مرحوم رستم قاسمی، شتاب خوبی به روند پروژه‌ها داده بود و از اقدامات قابل تقدیر به شمار می‌رود اما همین کار هم منتقدانی داشت که معتقد بودند برای پیشرفت پروژه‌ها نباید شرکت ملی نفت را بدهکار کرد، اما این بیشتر به غرزدن شبیه است. در شرایط تحریم و رفتن شرکت‌های خارجی و کمبود منابع شرکت نفت، باید چه کرد؟ با تمرکز وزارت نفت سه طرح مرزی فازهای ۱۲، ۱۵-۱۶ و ۱۷-۱۸ که پیشرفت بیش از ۸۰ درصد داشتند و دچار تبعات تحریم مانند توقیف کالاها و بلوکه‌شدن پرداخت‌ها و کمبود منابع بودند، در اولویت اختصاص منابع مالی قرار گرفتند. بلافاصله هم در سال‌های ۹۲-۹۳ تکمیل و تولیدی شده و به تبع آن علاوه بر تأمین نیاز حیاتی کشور به گاز، از محل فروش سایر محصولات فاز‌های بعدی موردتوجه قرار گرفت.

معطلی از ۹۲ تا ۹۶

برگردیم به فاز ۱۱. از سویی پتروپارس نمی‌توانست به تعهد خود عمل کند و منابع مالی برای اجرای پروژه فراهم کند. از طرفی هم این شرکت درگیر دو پروژه دیگر پارس جنوبی بود که با توجه به پیشرفت خوب آنها و وضع نزار مملکت و گاز در آن روزگار، اولویت آن پروژه‌ها بود. فاز ۱۲ و ۱۹ از طرفی هم تیم سیدمهدی حسینی در دولت تازه مشغول به کار شده بودند تا قراردادهای پای‌بک را به قالب مدرن‌تر و جذاب‌تری برای شرکت‌های خارجی بدل کنند. این شد که از ۹۲ تا ۹۶ توجه به فاز ۱۱ در اولویت نبود. بله می‌شود بابت همین چهار سال هم به وزارت زنگنه انتقاد کرد که چرا فاز ۱۱ را مانند آن هشتت طرح دیگر در اولویت قرار نداد.



مگر فاز ۱۱ مرزی نبود؟ مگر تولید از این میدان مهم نبود؟ روی چه حسابی باز باید معطل توتال می‌شدیم؟ مگر یک بار امتحان پس نداده بود؟ بله این انتقادها هست. در سهم تعلل اصلاح‌طلبان در فاز ۱۱ باید چهار سال اضافه کرد؛ ۹ سال اصلاح‌طلبان، هشتت سال اصولگرایان. ولی نکته دردآور ماجرا این است که این چهار فاز یعنی ۱۱ تا ۱۴ از مدار تولید و توسعه ال‌ان‌جی و صادرات خارج شده بودند و تنها برای مصرف داخلی قرار بود گازشان به تولید برسد. واقعا از اینجا به بعد ایران برای روسیه و قطر تهدید بود؟ وقتی قرار است هرچه گاز تولید می‌کند به خرچ خانه‌ها و صنایعش برسد، چه تهدیدی می‌توانست باشد؟ قرارداد جدید آی‌پی‌سی بعد از ماه‌ها کشمکش و مذاکره در تیرماه ۱۳۹۶ منعقد شد. پتروپارس فازهای ۱۲ و ۱۹ را تکمیل کرده و فراغ بال پیدا کرده بود و توتال هم چشم براق خود را روی پروژه قدیمی‌اش باز کرد و چین‌های همیشه شریک هم آماده بودند. در تیرماه ۹۶ سه شرکتی که در این ۱۷ سال به‌نوعی در مقاطعی صاحب این پروژه بودند؛ یک‌کاسه و شریک شدند. توتال و پتروپارس و سی‌ان‌پی‌سی… همه‌چیز امیدوارکننده بود. اصولگرایان به آمدن توتال اعتراض داشتند اما دولت واقعی نهاد و مدیرعامل توتال بعد از امضای قرارداد، با حسن روحانی هم دیدار کرد. زنگنه صحبت از این کرد که با قرارداد توتال اسلام قوی‌تر می‌شود. پارادایم کشور از تحریم به توسعه شیفت کرده بود.

باز هم توتال و چینی‌ها رفتند

تنها چند ماه بعد در اردیبهشت ۹۷ ترامپ برجام را پاره کرد و خرداد ۹۷ بود که پاتریک پویان مدیرعامل توتال اعلام کرد نمی‌خواهیم به خاطر ایران به جنگ آمریکا برویم و این یعنی خروج دوباره توتال از این پروژه؛ یک بار سال ۸۷ و دوران اصولگرایان و یک بار هم دوران زنگنه. باز پروژه در همان سیکیل دَوار و واقع طلسم خدایش افتاد. توتال رفت و سی‌ان‌پی‌سی رهبر کنسرسیوم شد در کنار پتروپارس. بعد از مدتی همچنان‌که قابل پیش‌بینی بود چین‌ها هم رفتند و مانند آنچه در سالال ۹۱ رخ داد، باز در مهر ۹۸ پروژه به پتروپارس داده شد مانند مراد ۹۲. بازرگان کرکاری، اتفاقات کرکاری، تحریم و ناتوانی داخل. در وزارت‌های زنگنه فاز ۱۱ برای مقطعی به خاطر مذاکرات طولانی با توتال طول کشید. در مقطعی هم پتروپارس درگیر فاز ۱۲ و ۱۹ بود و اجرای یک پروژه دیگر برایش سخت بود، از طرفی هم کشور منظر اصلاح قراردادهای نفتی و رفع تحریم‌ها بود. بماند که با کارشکنی اصولگرایان سال‌های طولانی برجام ۹۴ تا ۹۶ صرف این شد که قراردادهای آی‌پی‌سی اصلاح شود. مخالفت‌هایی که از سوی امثال همین مدیران امروز نفت، خجسته‌مهر، سالاری و… هدایت می‌شد.

باز اصولگرایان و باز فاز ۱۱

اکنون ۱۷ ماه از دولت رئیس‌ی گذشته و در فاز ۱۱ تنها سه چاه آماده شده است. خبری از ساخت سکو و پالایشگاه و خط لوله جدید نیست و قرار است برای همه آنها از تأسیسات فاز ۱۲ استفاده شود. فقط لازم بود حفاری چاه‌ها انجام شود. طول متوسط مدت حفاری یک چاه در پارس جنوبی ۹۰ روز است اما حفر و تکمیل هر چاه فاز ۱۱، ۲۷۰ روز طول کشیده است. با وجود وعده‌هایی که برای بهره‌برداری زودهنگام از فاز ۱۱ داده شده بود، به زمستان ۱۴۰۱ نرسید و مهم‌ترین بخش فاز ۱۱ که سکوی فشارافزایی است هم معطل مانده است و از یکی، دو سال آینده با افت شدید فشار پارس جنوبی مواجه می‌شویم. حتی اگر پتروپارس این پروژه را تنها بالاخره به انتها برساند برای سکوهای فشارافزایی نیاز به همکاری خارجی دارد و اینجا کم‌اکان حفره همیشگی فاز ۱۱ باز می‌ماند که اگر تحریم‌ها برقرار باشد کار سخت می‌شود، اگر تحریم نباشد مشخص نیست توتال و سی‌ان‌پی‌سی برای تمام‌کردن پروژه‌ای که ۲۰ سال است درگیر آن هستند می‌آیند؟ به هر جهت چهار فاز پارس جنوبی که ۲۰ سال پیش برای صادرات برنامه‌ریزی شده بودند از دور صادرات خارج شدند و به تکاپوی نیاز داخل رسیدند و خیال رقبای گازی ما (قطر و روسیه) راحت شد. فاز ۱۱ در واقع، آینه تمام‌نمای توسعه ایرانی است. هر دو پارادایم توسعه کشور همکاری با خارجی‌ها و اتکا به داخلی‌ها در آن کم‌وبیش اجرا شد و نتیجه نداد. فاز ۱۱ قرار بود فاز صادراتی باشد که از آن منصرف شدید، قرار شد زود برای مصرف داخلی برسد که نرسید، قرار شد پیشرو بحث فشارافزایی پارس جنوبی باشد که نشد و در هاله‌ای از ابهام است. به نظر می‌رسد تجربه‌ای این‌چنین را باید تحلیلگران توسعه به مطالعه و دقت در آن بنشینند. پروژه‌ای که لابراتوار و مزرعه ایده‌های مختلف و نیمه‌کاره کشور شد، ولی تنها برنده‌اش تا اینجا قطر و روسیه بودند.



در حاشیه این رویداد رانندگان فرصت رانندگی با این محصولات رایک تجربه ارزشمند دانستند که از سوی گروه بهمن فراهم شده است. کارشناسان حاضر در این رویداد به سوالات مخاطبان درخصوص نحوه خرید، عرضه‌های بورسی و مشخصات فنی محصولات پاسخ می‌دهند. پیش‌تر این دو محصول در پایانه باری کرمان مورد سنجش رانندگان تجاری قرار گرفته بود. این رویداد تا روز دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ در پایانه شهید رجایی بندرعباس ادامه خواهد داشت.

در رویداد دو شرکت بهمن دیزل و سییا موتور در پایانه باری شهید رجایی بندرعباس جدیدترین محصولات تجاری این دو شرکت ارزیابی شدند. به گزارش کامیون نیوز – امپاور BD۵۰۰ و FAW۴۶۰ از طرف با تجربه‌ترین رانندگان تجاری مورد ارزیابی و تست قرار گرفتند. در ساعات اولیه برگزاری این رویداد قدرتمندی FAW مورد توجه رانندگان باتجربه حاضر در این پایانه قرار گرفت. موتور CUMMINS و کیربکس ZF به کار گرفته‌شده در امپاور و همچنین آپشن‌های رفاهی این کشنده نظر رانندگان کارکشته این بندر را به خود جلب کرد.